

دکتر باقرپور کاشانی



تحلیل اعطاء قدرت خداوند در
حین گناه به بندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحلیل اعطاء قدرت خداوند در حین گناه به بندگان

«همان طور که روشن شد معجزه به درخواست فرستاده و خواست مکلفان به وقوع نمی پیوندد.»

ما می گوئیم چرا اتفاق می افتد! در مواردی داشتیم مثل ماجرای شق القمر، محضر نبی اکرم می آیند و می گویند ما معجزه می خواهیم، وحی می رسد که رسول ما هر معجزه ای که این ها می گویند بگو چشم! قبول کن! چه چیزی می گویند؟! می گویند این ماه را دو نصف کن! مواردی بوده! یا ببینید نکته سر این است که می گویند به درخواست خداست، یعنی به درخواست فرستاده نیست! اما مگر بین درخواست فرستاده و درخواست خدا غیریتی قائل هست؟! ببینید در زیارت آل یاسین می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ»، سلام بر تو ای حجت خدا که تو دلیل اراده خدایی! یعنی کنش معصوم، کنش انبیاء، در پرتوی رضایت خداوند هست! و اراده این ها یک اراده ای نیست که نبی اراده ای بکند خدا بگوید نه آقا من این اراده

تو را قبول ندارم! اصلاً عصمت یعنی همین! پس اگر چنانچه نبی اکرم هر
اراده‌ای بکند قطعاً تحقق پیدا می‌کند!

منتها معجزه بله این آیه را ما می‌گوییم ﴿إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ﴾، یعنی به
اذن‌الله! معجزه به اذن‌الله تحقق پیدا می‌کند! بله بنده نگفتم که بالذات،
حجت الهی قابلیت این را دارد که خارق‌العاده از او صادر شود! به اذن‌الله
هست! یعنی خداوند در مجرا و مجلای حجت الهی، امور خارق‌العاده‌ای
را ارائه می‌دهد. این به این معنا نیست که حالا اگر حجت الهی اراده بکند
بگوید نه آقا! من خدا همچین چیزی را نمی‌گویم! حجت الهی چیزی که
اراده می‌کند، آن فعل، رضایت خدا را در بردارد! پس هر چه که حجت الهی
ارائه بکند در معجزات تحقق پیدا می‌کند! منتها تحقق چیست؟! به اذن‌الله
هست!

ببینید یک مثال نازل‌تری را عرض می‌کنم خدمت شما؛ من یا یک آدم
خوبی‌ام یا یک آدم بدی‌ام؛ الان یا حرف خوب دارم می‌زنم یا حرف بد دارم
می‌زنم؛ بنده چه حرف خوب بزنم چه حرف بد بزنم به اذن‌الله هست!
یعنی خداوند اذنش را داده که من به قوت او دارم حرف خوب می‌زنم یا
حرف بد می‌زنم؛ منتها حرف خوب که می‌زنم خداوند رضایت دارد قوه را

داده که در پرتوی آن قوه حرف خوب بزینم رضایت دارد؛ اما قوه‌ای که به من داده من حرف بد می‌زنم، این حرف بدی که می‌زنم باز هم او قوه را می‌دهد، برای اینکه اصل امتحان محفوظ باشد! اصل اختیار محفوظ باشد! اما خداوند رضایت به این حرف زشت من ندارد! به این فعل زشت من ندارد! این نسبت به من است.

همه چیز عندالله نزد خداست هر قوه‌ای «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ!» همه چیز به اذن خداست که آن به آن باید مدد برساند. اما چنانچه کار بدی انجام می‌دهد نمی‌تواند این کار بد را اسناد به خدا بدهد! چون خدا نداده که تو کار بد بکنی! لازمه امتحان آزمون و آزمایش این است که این قوت را به تو بدهد.

اما در مورد انبیاء فوق این است! در مورد انبیاء، هر فعلی که انجام می‌دهند، هم رضایت خداست هم قوه خداست! ببینید همچنان که من قوه دارم دستم را حرکت بدهم، انبیاء الهی هم به اذن الله به قوه الله به حول او هر معجزه‌ای از آن‌ها صادر می‌شود، منتها باید اراده بکند! منتها بنده با قوت الهی می‌تونم اراده بکنم که امری خلاف رضایت او باشد، اما چون آن‌ها معصوم هستند هر امری را که انجام می‌دهند اعم از افعال جوارحی، افعال جوانحی و اینکه

معجزات و امور خارق العاده‌ای که باشد، همه این‌ها به اذن الله هست، منتها به اراده این حجت الهی هست.

عصمت مجبور نمی‌کند، اما اگر خلاف او عمل بکنند توبیخ می‌شوند! در ترک اولی می‌بینیم عذاب می‌شوند، در ترک اولی توبیخ می‌شوند.

وقتی که ائمه معصومین علیهم‌السلام ترک اولی هم از آن‌ها سر نمی‌زند، پس هر کاری که انجام می‌دهند طبق رضایت خداست، اولی هست حتی! نمی‌گویم خوب است، بلکه اولی هست! تکویناً یک وقت نمی‌توانند می‌شود جبر؛ اما بحث این است که نمی‌خواهند! نمی‌خواهند چون این قوه نورانی را دارند نمی‌خواهند، با اختیار خودشان خلاف نمی‌کنند! با اختیار خودشان گناه نمی‌کنند!

عصمت می‌گوییم که بله برای اطمینان هست، اما اگر به مرتبه‌ای به لحظه‌ای بخواهند خلاف خدا عمل بکنند، در قرآن هم هست که پیامبر رگ قلبت را قطع می‌کنیم! اگر بخواهند خلاف آن واقع برخورد بکنند عذاب می‌شوند! ببینید بحث سر این است که عذاب می‌شوند! پس این‌ها با اختیار خودشان گناه نمی‌کنند! نه اینکه مجبورند و نمی‌توانند گناه بکنند، امکان

تحقق گناه برای آنها نیست! امکانش هست، اما با مقام عصمت و مقام علمی و جایگاه کمالاتی که دارند، توجه به آن نمی‌کنند! نمی‌خواهند!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ